

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَنْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

عنوان: غدیر، تبیین ۱۴۰۰ ساله

موضوع و مناسبت: عید غدیر با رویکرد جهاد تبیین

انگیزه:

وقتی حرف جهاد و دفاع از عقاید و اعتقادات به میان می‌آید وقتی پای حق و حقانیت به میان می‌آید وقتی سخن از قدر و غدیر می‌شود ناخواسته ذهن انسان سلیم القلب به سمت علامه بزرگوار امینی رضوان الله تعالی علیه و کتابی که ثمره ۴۰ سال عمر علامه بود یعنی کتاب گرانسنگ و کم نظیر الغدیر می‌رود که نتیجه یک عمر تلاش شبانه روزی علامه بود که در واقع عمر شریفش رو خرج دفاع از حقانیت امیرالمومنین نمود و الغدیر را در ۱۱ جلد جمع آوردی کرد. علامه امینی شخصیتی است که یک تنه در برابر تحریف کنندگان تاریخ قیام کرد و با قلم توانا و آتشین و در عین حال منطقی و علمی خود، پرده‌ها و گره‌های ذهنی مردم را کنار زد، چرا که زمزمه‌هایی پدیدآمده بود که حدیث شریف غدیر سند قوی نداد تا جائیکه برخی از عاشقان به تردید افتاده بودند و این بزرگوار حقایق را از لابلائی زوایای تاریک تاریخ، بیرون کشید. و غدیر واقعی را تبیین نمود.

ایشان جهادی را در این مسیر شروع کرد تا جائیکه در شبانه روز حدود ۱۷ ساعت مطالعه و کار می‌کرد و برای مطالعه کتبی که در دسترس نداشت رنج سفرهای گوناگونی به کشورهای مختلف من جمله هندوستان به جان خرید. علامه خود می‌گوید که من برای نوشتن الغدیر ۱۰ هزار جلد کتاب از «باء» بسم الله تا «تاء» تمت آن خوانده‌ام. و به ۱۰۰ هزار جلد کتاب، مراجعات مکرر داشته‌ام.

تا آنجا که فرزند علامه امینی می‌گوید: در سال ۱۳۵۰ که خواستم در عراق نباشم برای خداحافظی نزد سید محمد تقی که از نواده‌های مرحوم بحرالعلوم است رفتم؛ ایشان فرمود: بعد از وفات پدرت پیوسته در این فکر بودم که حضرت علی (علیه السلام) چگونه با پدر تو رفتار می‌کند، با اینکه ایشان عمرش را وقف حضرت علی کرد. در خواب دیدم قیامت به پا شده و یکجا خیلی شلوغ است، گفتم: چه خبر است؟ گفتند: اینجا حوض کوثر است؛ گفتند امینی می‌آید؛ تا نزدیک حضرت رسید دیدم حضرت دو مشت خود را از آب کوثر پر کردند و به صورت امینی پاشیدند و فرمودند: خدا تو رو روسفید کند که روی ما را سفید کردی.

از خواب بیدار شدم، فهمیدم پاداش تألیف الغدیر را حضرت داده است. یک روایت زیبا از این کتاب گرانسنگ عرض کنم که پی ببریم که چقدر کم آقای خودمون رو می‌شناسیم و علامه برای این شناخت و تبیین آن چقدر زحمت کشید برای اینکه امیرالمومنین را غربت بین مسلمانان خارج کند که متأسفانه بین شیعیان هم غریبه و باید به این مسئله تا آخر عمر گریه کرد همانطور که فرزند مرحوم علامه امینی، محمد هادی امینی (رحمت الله علیه) می‌گوید: در آخرین روزهای عمر پدرم از ایشان سؤال کردند که شما چه آرزویی به دل دارید؟ ایشان در جواب فرمودند: من فقط یک آرزو در دنیا دارم، و آن این که خداوند به من یک عمر طولانی بدهد و من در این آخر عمر از همه کنار گرفته، در گوشه بیابانی چادر بزنم

و آن جا ساکن شوم و تا آخر عمرم بر مظلومیت علی علیه السلام گریه کنم.

از باب تبرک و تیمن و اهمیت و ضرورت مسئله مهم ولایت روایتی از این کتاب گرانسنگ و ارزشمند نقل می کنیم .

انس چنین نقل می کند: در حجره ای از حجره های مکه بودیم و از علی سخن می گفتیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد ما آمد و فرمود: أَيْهَا النَّاسُ، مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ وَ إِلَى نُوحٍ فِي فَهْمِهِ وَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي حِلْمِهِ وَ إِلَى مُوسَى فِي شِدَّتِهِ وَ إِلَى عِيسَى فِي زَهَادَتِهِ وَ إِلَى مُحَمَّدٍ وَ بَهَائِهِ وَ إِلَى جِبْرِئِيلَ وَ أَمَانَتِهِ وَ إِلَى الْكَوْكَبِ الدَّرِيِّ وَ الشَّمْسِ الضَّحَىِّ وَ الْقَمَرِ الْمُضِيِّ؛ ای مردم، هر که می خواهد دانش آدم و فهم نوح و بردباری ابراهیم و صلابت موسی و زهد عیسی و محمد و جمال او و جبرئیل و امانتداری او و ستاره درخشان و خورشید تابان و ماه نور افشان را ببیند، فَلْيَتَطَاوَلْ وَ لِيَنْظُرْ إِلَى هَذَا الرَّجُلِ^۱ سر را بلند کند و به این مرد بنگرد و آنگاه به علی بن ابی طالب اشاره کرد. مسئله ولایت و جانشینی بعد از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله بقدری مهم و حائز اهمیت است که خدای متعال محقق شدن رسالت پیامبر خاتم را منوط به ابلاغ و اعلام و اعلان این امر معرفی می کند.

اقناع:

زمانی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به نبوت رسیدند، به خصوص در دورانی که در مدینه حکومت اسلامی را تأسیس کردند، مردم شاهد حکومتی بودند که با امپراتوری روم یا حکومت پادشاهی در ایران متفاوت بود. چون این نوع حکومتها دارای پادشاهانی بودند که در قصرهای مجلل زندگی می کردند و نوع حکومتداری به گونه ای بود که مردم امکان اظهار نظر در امور را نداشتند. در حالی که مردم عرب تا آن زمان به صورت قبیله ای زندگی می کردند و با ظهور اسلام شاهد حکومت منسجم و مرکزی بر مبنای آموزه های اسلام بودند؛ آن هم حکومتی که در آن، از پادشاه و قصر و باج و خراج خبری نبود و طرفدار حق مظلوم و رسیدگی به امور مردم بود.

نبی مکرم اسلام در واقعه غدیر این پیام را به مردم ابلاغ کردند که حکومت اسلامی با هدایت و رهبری امام علی علیه السلام پا بر جا خواهد ماند و به این منظور مردم با آن حضرت بیعت کردند تا امام علی علیه السلام پس از نبی مکرم اسلام، متولی دین و دنیای مردم باشند و آن ها را به سعادت دنیا و آخرت راهنمایی کنند.

به این ترتیب کسی که به مقام ولایت می رسد بر امور مردم حکومت می کند. همان گونه که خدای متعال در قرآن کریم می فرماید: إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ؛ سرپرست و ولی شما تنها خداست و پیامبر او و آن ها که ایمان آورده اند؛ همان ها که نماز را برپا می دارند و در حال رکوع، زکات می دهند. طبق این آیه شریفه که اشاره به مقام امام علی علیه السلام دارد، صاحب امور و ولی مردم مشخص شده است. و از جهتی هم نبی مکرم اسلام می دانستند این مسئله عمده مشکلات جهان اسلام و بزرگترین گره ذهنی جامعه آن روز را به همراه خواهد داشت و اینکه بعد از ایشان حرکت بشریت بسمت تکامل نباید متوقف شود که این امر ممکن نبود مگر با ادامه یافتن امر خطیر و الهی ولایت و پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله همین موضوع را در غدیر تبیین فرمودند.

^۱ الغدير، جلد ۳، ص ۳۵۵

^۲ سوره مبارکه مائده، آیه ۵۵

در ماجرای سقیفه توطئه‌ای روی داد و بر این اساس، حق امیرالمؤمنین علی علیه السلام غصب شد. به این ترتیب هر چند نبی مکرم اسلام در غدیر و بارها قبل و بعد از آن ماجرای ولایت را تبیین فرموده بودند، ولی وقتی امام علی علیه السلام از حکومت کنار زده شدند، در واقع مردم موضوع ولایت را کنار گذاشتند و از حکم خدا سرپیچی کردند.

از همان زمان بود که تباهی و کشیده شدن به قهقرا آغاز شد. زیرا اسلام افرادی را به عنوان ولی معرفی می‌کند که از سوی خدا و رسول او تعیین شده بودند، اما آن‌ها که بر این مسند تکیه زدند کسانی بودند که به تصریح امام علی علیه السلام در خطبه ششگانه^۲، این ردا برای آن‌ها دوخته نشده بود. در این شرایط، مردم با برداشتهای غلطی که از اسلام داشتند و تفسیر به رأی خود زمینه برای چنین رویدادهایی را فراهم کردند.

درس غدیر مقدمه درس عاشورا و حکومت امام زمان (عج) است

در تاریخ اسلام اگر غدیر خم و جریان ولایت جدی گرفته می‌شد محرم اتفاق نمی‌افتاد و پیش مقدمه رخ داد محرم و عاشورا، نادیده گرفتن غدیر خم و جریان ولایتمداری است.

غدیر نقطه ثقل اسلام است و نقطه مرکزی پرگار محسوب می‌شود. وجود غدیر مقدمه حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که در آینده ظهور ایشان رخ می‌دهد. وجود غدیر مقدمه حکومت امام زمان است؛ بنابراین با تعیین امام و سرپرست باید زیر سایه هدایت ایشان برویم. نبود آن عامل عاشورا است، بنابراین باید روی آن بسیار کار کنیم.

زمانی که مسلمانان به غدیر توجه نکردند، باعث شد تا واقعه کربلا رخ داد و اگر امروز مردم به ولی فقیه و امام که تعیین شده است، توجه کنند، وضع جامعه خوب می‌شود و در سایه ولایتمداری است که باعث می‌شود تا اتفاقات خوبی برای جامعه رقم بخورد اما اگر برخی خیانت کنند و از ولایتمداری عبور کنند، همان طور که امام علی علیه السلام را در آن زمان کنار گذاشتند و به واقعه عاشورا منجر شد، باعث می‌شود تا بر اثر خیانت به ولایت، داعش ظهور کند؛ بنابراین ولایتمداری یک رکن است. غدیر ظاهر و محتوا دارد. غدیر را باید در جامعه شاد و زنده نگه داریم چرا که یک پرچم و نماد است. این رکن جز با تبیین و گفتن زنده نگه داشته نمی‌شود. اگر خواص جامعه امیرالمؤمنین علیه السلام و عموم مردم تبیین و روشنگری می‌کردند، اگر پدری به فرزندش، فرزندش به پدرش و... وقایع را بازگو می‌کرد کمتر از ۳ ماه این واقعه مهم به فراموشی سپرده نمی‌شد.

لطیفه اول:

البته عزیزان این مطلب را جایی بیان کردم بعد از منبر عزیزی آمد و گفت: حاج اقا برای رساندن مسئله غدیر به خلق الله بنده پیشنهادی دارم که اگر در زمان پیامبر و غدیر اجرا میشد کمتر از ۳ ماه که هیچ ۳ روز هم نه کمتر از ۳ ساعت کل جهان مطلع میشدند، البته اگر خواهرای محترم اجازه بدهند و ناراحت نشوند... گفت: کافی بود مسئله غدیر خم را به یه زن می‌گفتند. کمتر از ۳ ساعت جهانی میشد ولی با ۲ تا شرط: یک اینکه به زنه بگی این مسئله را فقط به تو گفتم و دو اینکه به هیچ کس نگو...^۳

^۳ نهج البلاغه، خطبه ۳

کمتر از ۳ ماه بعد از واقعه غدیر که پیامبر رحلت کرد تعداد زیادی از مردم واقعه غدیر را فراموش کردند.

جهاد تبیین قدمتی ۱۴۰۰ ساله

وظیفه پیامبر در روز غدیر این بود که مردم را تبیین کند که فرار است بر اساس حکم الهی امیرالمومنین علیه السلام رهبر حکومت شود، یا **أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ**؛ ای پیامبر، آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده ابلاغ و تبیین کن. و پیامبر این تبیین را انجام داد. چرا که اگر انجام نمی‌داد: **فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ**؛ رسالتی انجام نداده بود.

یعنی ای پیامبر! اگر این تبیین را انجام ندهی انگار رسالتی انجام نداده‌ای یعنی هیچ کاری نکردی. یعنی نماز و روزه و حج و... هیچ. اما پیامبر می‌دانست تبیین است که حکومت اسلامی را حفظ می‌کند و با تمام توان پای این تبیین ایستاد. و بعد از این تبیین، مهر قبولی بر رسالت پیامبر نهاده شد: **الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا**؛ امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم، و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم. فلذا از رهگذر تبیین مشکلات جامعه اسلامی حل خواهد شد.

اهل بیت پیامبر و امامان بر حق شیعه، که محافظ اسلام حقیقی هستند سعی داشتند از هر فرصتی بهره‌برند تا غدیر را زنده بدارند و آن خاطره گرمی و به یاد ماندنی را مطرح کنند؟

روزی حضرت زهرا علیها السلام در اُحد بر مزار عموی پدرش «حمزه سیدالشهداء» ایستاده بود و عزاداری می‌کرد. محمود بن لبید فرصت را غنیمت شمرده، پس از عزاداری پرسید: ای دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، آیا برای امامت و زعامت علی بن ابی طالب علیه السلام از سخنان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دلیلی به یاد داری؟

فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود: **وَ أَعْجَبَا نَسِيتُمْ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ؟** آیا حادثه عظیم غدیر خم را فراموش کرده‌اید؟ **أَشْهَدُ اللَّهُ تَعَالَى لَقَدْ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: خُذُوا مَا آتَاكُمْ مِنْهُ فَإِنْ كُنْتُمْ تَحِبُّونَهُ فَاغْتَابُوا بِرِئَاسَتِهِ عَلَى الْبَنِي إِسْرَائِيلَ وَ هُوَ الْإِسْلَامُ وَ هُوَ الْإِمَامُ وَ الْخَلِيفَةُ بَعْدِي**؛ علی بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می‌دهم، علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است.

اما لازمه این تبیین این بود که مردم هم ادامه دهنده این امر باشند. به حکم خود پیامبر قرار بود حاضرین به غائبین و... این واقعه را بگویند. اما عده‌ای از مردم بهانه‌هایی آوردند که حالا من نمی‌گویم بقیه می‌گویند. یا من گرفتارم کار و کاسبی دارم. در خرج و مخارج زن و بچه و لقمه شب مانده‌ام و... این امر الهی یعنی تبیین را انجام ندادند و این سستی و بهانه‌ها منجر شد در کمتر از ۳ ماه این واقعه به این مهمی به راحتی فراموشی سپرده شود. و منجر شود به واقعه سقیفه و عاشورا و اسارت کاروان ابا عبدالله.

و علت اینکه واقعه عاشورا بعد از حدود ۱۳۸۲ سال به دست فراموشی سپرده نشد تبیین‌هایی بود که توسط اهل بیت و عصمت و طهارت صورت گرفت. شما ببینید صحبت‌ها و خطبه‌ها و تبیین‌های امام سجاد و حضرت زینب سلام الله علیهما از کربلا تا مدینه را. این گریه‌های ۴۰ ساله امام سجاد علیه السلام در مدینه همه تبیین بود. پس تبیین راهگشای جامعه اسلامی است.

^۴ سوره مبارکه مائده، آیه ۶۷

^۵ سوره مبارکه مائده، آیه ۳

^۶ برای اطلاعات بیشتر به مجله فرهنگ کوثر، اردیبهشت ۱۳۷۶، شماره ۲ با عنوان: غدیر در سیره اهل بیت (ع) مراجعه شود.

^۷ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۳

حضرت زینب سلام‌الله‌علیها جهاد تبیین را، جهاد روایت را در کربلا راه انداخت؛ نگذاشت و فرصت نداد که روایت دشمن از حادثه غلبه پیدا کند؛ کاری کرد که روایت او بر افکار عمومی غلبه پیدا کند. حالا تا امروز روایت زینب کبری سلام‌الله‌علیها از حادثه عاشورا در تاریخ مانده، در همان زمان هم تأثیر گذاشت در شام، در کوفه، در مجموعه سال‌های حکومت اموی و منتهی شد به ساقط شدن حکومت اموی. ببینید، این درس است.^۸

از جهت عقبه‌ی دینی و اعتقادی هم اصل دعوت صدر اسلام بر پایه‌ی تبیین استوار بود: «تبیین، بیان، مهم‌ترین وظیفه‌ی پیغمبران است. دشمنان پیغمبران از جهل‌ها و پرده‌پوشی‌ها استفاده می‌کنند.^۹» تبیین حقایق در سیره‌ی علوی نمود پررنگی داشت: «شما خطبه‌های نهج‌البلاغه را نگاه کنید، بسیاری از آنها تبیین واقعیاتی است که در جامعه‌ی آن روز وجود داشته.^{۱۰}» و مبنای مهم قیام حسینی نیز تبیین بود: «امام حسین علیه‌السلام را فقط به جنگ روز عاشورا نباید شناخت؛ آن یک بخش از جهاد امام حسین علیه‌السلام است. به تبیین او، امر به معروف او، نهی از منکر او، توضیح مسائل گوناگون در منی و عرفات، خطاب به علما و نخبگان باید شناخت.^{۱۱}» بنابراین «جهاد فقط شمشیر گرفتن و جنگ کردن در میدان قتال نیست؛ جهاد شامل جهاد فکری، جهاد عملی، جهاد تبیینی و تبلیغی و جهاد مالی است.^{۱۲}» از مهم‌ترین رویکردها و شیوه‌های حرکت انقلاب اسلامی تبیین است: «در مبارزات اسلامی، در همه حال تبیین خیلی اهمیت دارد.^{۱۳}»، «کار انقلاب از اساس با تبیین، روشنگری، بیان منطقی، مستدل و دور از جنجال بود.^{۱۴}» و این در حالی است که «تفکر مارکسیستی آن روز اعتقاد به تبیین نداشتند؛ می‌گفتند مبارزه یک سنت است، تحقق خواهد یافت؛ چه بگوئید، چه نگوئید.^{۱۵}» لذا «جزو راهبردهای اساسی کار ما از اول، مسئله‌ی تبیین بوده است.^{۱۶}» و «بدون تبیین و تبیین بلیغ، قطعاً هیچ فکری و هیچ اندیشه‌ی متقنی، توفیق رواج و اعتقاد عمومی را پیدا نخواهد کرد.^{۱۷}»

جهاد تبیین یعنی بی تفاوت نبودن

تبیین، یعنی بیان حقیقت و از بین بردن غبار جهالت و تحریف اذهان. ذهن انسان ممکن است دچار ابهام شود، مورد تحریف قرار گیرد و دشمن یا هر فرد دیگری آن را از مسیر حقیقی و عقلانی خودش منحرف کند. به عبارتی تبیین به معنای بی تفاوت نبودن انسان نسبت به ذهنی است که به کمک نیاز دارد و باید تعلیم ببیند. و تبیین، بخشی از جهاد تبیین و رسالت روشنگری است

^۸ بیانات در دیدار پرستاران و خانواده شهدای سلامت، ۱۴۰۰/۰۹/۲۱

^۹ بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۶/۰۲/۱۳۹۵

^{۱۰} بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید غدیر، ۳۰/۰۶/۱۳۹۵

^{۱۱} بیانات در دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر، ۰۵/۰۵/۱۳۸۸

^{۱۲} بیانات در دیدار قاریان و حافظان برتر شرکت‌کننده در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، ۲۹/۰۲/۱۳۹۵

^{۱۳} بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۴/۰۲/۱۳۸۷

^{۱۴} بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران، ۱۳/۰۴/۱۳۹۰

^{۱۵} بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۴/۰۲/۱۳۸۷

^{۱۶} بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران، ۱۳/۰۴/۱۳۹۰

^{۱۷} بیانات در دیدار مسئولان مؤسسه روایت سیره شهدا، ۱۴/۰۴/۱۳۸۹

تعریف جهاد و عرصه‌های آن:

جهاد یعنی چه؟ جهاد یعنی تلاش در مقابله با دشمن. هر تلاشی، جهاد نیست. خیلی‌ها تلاش می‌کنند، تلاش‌های علمی زیادی می‌کنند، تلاش‌های اقتصادی می‌کنند که خوب و به‌جاست، اما جهاد نیست. جهاد، یعنی تلاشی که هدف‌گیری در مقابل دشمن در آن وجود داشته باشد؛ این جهاد است. در اصطلاح اسلامی و منطق اسلامی، جهاد کاری است که در مقابل دشمن انجام می‌گیرد. شما اگر کار اقتصادی بکنید برای مقابله با دشمن، می‌شود جهاد؛ کار علمی و تحقیقی بکنید برای مقابله با دشمن، می‌شود جهاد؛ حرف بزنید، تبیین کنید برای خنثی کردن وسوسه دشمن، می‌شود جهاد؛ اینها همه جهاد است. پس مهم این است که ما عرصه جهاد را تشخیص بدهیم که در هر زمانی در چه عرصه‌ای باید جهاد کرد. این، خیلی مهم است.^{۱۸}

پس جهاد با هدف مد نظر است که منجر به نتیجه و تاثیر باشد وگرنه ممکن است تلاش بدون ثمر باشد.

لطیفه دوم:

میگن طرف گفت میخوام برم جنگل شیر شکار کنم، رفت با سختی و تلاش شیر رو پیدا کرد ولی بدون هدف تیر رو رها کرد از کنار گوش شیر رد شد. شیر متوجه شد اومد و شکارچی رو گرفت با یک گوش مالی از جنگل انداختش بیرون. شکارچی رفت با هزار تمرین و تلاش دوباره امد، ولی باز بدون هدف تیر رو از کنار گوش شیر رد کرد. دوباره با یک گوشمالی از جنگل اخراج شد. بار سوم رفت دوره تخصصی و... اما باز بدون هدف تیر را از بالای سر شیر رد کرد. شیر شکارچی رو گرفت بهش گفت ببین... موضع خودت رو مشخص کن!!! اومدی شیر شکار کنی یا خودتو به کشتن بدی...

یک روز میدان، میدان نظامی است مثل دوران دفاع مقدس، دوران دفاع از حرم؛ اینجا میدان، میدان نظامی است؛ آن روز خیلی‌ها وظیفه را تشخیص دادند و حرکت کردند و رفتند و وظیفه‌شان را انجام دادند که البته در همین‌جا هم هیئت‌ها سنگ تمام گذاشتند، و بسیاری از این رزمندگان ما و شهدای ما، بچه‌های هیئت‌ها بودند که رفتند و به شهادت رسیدند.^{۱۹}

و بعضاً التماس هم می‌کردند: قاری و معلم قرآن، مداح، طلبه و رزمنده بود، سه روز در هفته از قم به نطنز می‌رفت تا به بچه‌ها قرآن درس دهد و از نطنز برای طلاب آب آشامیدنی می‌آورد، شب عملیات کربلای ۵ چون دو برادر بودند، فرمانده گردان اجازه شرکت در عملیات را به محمود معلومی نداد، اما با اصرار زیاد و گریه و زاری فرمانده را رازی کرد و با رزمندگان عازم عملیات شد و همانجا هم به شهادت رسید.^{۲۰}

یک روز جهاد در عرصه علم است و جهاد، جهاد علمی است، باید علم را بالا برد؛ یک روز عرصه فعالیت‌های اجتماعی است؛ اگر مردم جامعه سال دهم هجری برای تبیین غدیر جهادی انجام می‌دادند یقیناً اوضاع جهان اسلام بهتر از این بود.

و یک روز عرصه خدمات اجتماعی است و خدمت به مردم. که این هم به وفور در سیره شهدا دیده می‌شود:

یک روز گفتیم: ابراهیم، دقت کردی چقدر از این جوان‌های محل فاسد شدند؟ بیشترشان سراغ مشروب و کارهای خلاف رفته‌اند و... ابراهیم

^{۱۸} بیانات در دیدار مداحان اهل بیت، ۱۴۰۰/۱۱/۰۳

^{۱۹} بیانات در دیدار مداحان اهل بیت، ۱۴۰۰/۱۱/۰۳

^{۲۰} راوی: خانواده شهید، <https://b2n.ir/j46931>

هادی با تکان دادن سر تأیید کرد و گفت: «بیا یه کاری بکنیم. یه هیئت راه می‌اندازیم و بچه‌ها را دور هم جمع می‌کنیم.»
با چند نفر دیگر هم صحبت و بنای هیئت را راه انداخت. اولین جلسات در روزهای سه‌شنبه در منزل خودشان برگزار شد.
آن زمان سن و سال ابراهیم کم بود. ولی با این حال مداحی او خوب بود. اشعار و مداحی را ابتدا خودش می‌خواند و اشک می‌ریخت. حالات او روی بقیه افراد هیئت اثر می‌گذاشت.

بعد از پایان برنامه هیئت، ابراهیم برای رفقا شام تهیه می‌کرد. کم‌کم برخی جوانان که به راه‌های خلاف کشیده شده بودند، پایشان به جلسات هفتگی برایش باز شد. سه ماه از تشکیل آن هیئت گذشت. نام «هیئت جوانان مهدویون» را برایش انتخاب کردیم.
جلسات هیئت خیلی تاثیرگذار بود. خیلی از همان دوستان محلی، جذب ورزش یا محیط کار شدند. ابراهیم تلاش می‌کرد وقت آنها را پر کند. بسیاری از همان کسانی که آن زمان، در آستانه‌ی ورود به محیط آلوده و فاسد بودند و با یاری خدا و کمک ابراهیم از آن شرایط خارج شدند، بعدها از مذهبی‌های محل ما شدند. چند نفر از آنها در طول دوران دفاع مقدس به شهادت رسیدند. ابراهیم شهید شد، اما هیئت که یادگارش بود در محل برقرار ماند. در همان ایام دفاع مقدس، یکبار ابراهیم را در عالم رویا مشاهده کردم. او در یک باغ زیبا حضور داشت و برخی از دوستانش در کنار او بودند. جلو رفتم و سلام کردم. می‌خواستم حرفی بزنم و بپرسم که ثمره آن همه هیئت رفتن چه شد؟! قبل از اینکه چیز بگویم خودش جلو آمد و گفت: «زمانی که شهید شدم و افتادم، آقا اباعبدالله علیه‌السلام آمدند و مرا در آغوش گرفتند.^{۲۱}»
باید عرصه جهاد را درست تشخیص بدهیم و حرکت کنیم و اگر کسی از مسئولین مربوطه نبود یا نتوانست انجام بدهد به فرموده رهبر: باید آتش به اختیار عمل کرد^{۲۲}. اما اصل این است که عرصه جهاد را به خوبی تشخیص داد.

آن روزی که دشمن سعی می‌کند جامعه را در فشار اقتصادی قرار بدهد، برای اینکه مردم را در مقابل اسلام، در مقابل نظام اسلامی قرار بدهد؛ آن روز اگر شما خدمت اقتصادی و اجتماعی به مردم بکنید، جهاد کرده‌اید در مقابل دشمن؛ لکن از همه این‌ها مهم‌تر عرصه تبیین و روشنگری است. اگر روشنگری بود، همه این عرصه‌های گوناگون در وقت خود و جای خود وضع‌شان روشن خواهد شد و مردان خودشان را پیدا خواهند کرد.^{۲۳}

تعریف جهاد تبیین:

جهاد تبیین، مهم‌ترین عرصه جهاد است؛ زیرا اکنون دشمن با هزاران دستگاه رسانه‌ای و خبری دست به جنگ روانی زده است تا با وارونه جلوه دادن واقعیت‌ها، رابطه مؤمنانه مؤمنین را قطع کند. از این رو باید با تبیین و روشنگری، حقیقت‌ها را برای همگان بیان کرد.
ما در حال یک نبرد فرهنگی، یک نبرد جنگ نرم هستیم یعنی به ما تهاجم شده؛ تهاجم نرم، آن هم با ابزارهای پیشرفته و بسیار نو و با توانایی بسیار بالا؛ به ما حمله شده. خب ما باید اول این را تصدیق کنیم، باید اول قبول کنیم که ما در حال یک جنگیم، ما مورد تهاجم قرار گرفته هستیم. اگر چنانچه این شد، آن وقت بایستی همه نیرو را متمرکز کنیم در ضربه زدن به مهاجم و جلوی هجوم او را گرفتن.^{۲۴}

^{۲۱} راوی: سیدعلی شجاعی دوست شهید، سلام بر ابراهیم ۲

^{۲۲} بیانات در جمع زائران و مجاوران حرم رضوی در مشهد مقدس، ۱/۱/۱۳۹۷

^{۲۳} بیانات در دیدار مداحان اهل بیت، ۱۴۰۰/۱۱/۰۳

^{۲۴} گزیده‌ای از بیانات در دیدار جمعی از برنامه‌سازان صدا و سیما، ۱۳۹۷/۰۸/۲۴

لطیفه سوم:

بله عده‌ای متأسفانه این دشمن را نمی‌بینند که بخواهند به دنبال شکست دشمن و به فکر جهاد تبیین باشند. و باور ندارند و هرچه به طُرُق مختلف به آنها گوشزد می‌شود متنبه نمی‌شوند مثل اینکه: طرف باباش مُرد، به یه نفر گفتن برو بهش اطلاع بده تا اول بدونه باباش مرده بعد ازش بپرسیم که محل قبر کجا باشه کی تشییع جنازه باشه و... ولی مستقیم بهش نگو. رفت و پرسش گفت: بابات ساعت چند از کار برمیگرده منزل؟ گفت: ۲:۰۰. گفت الان ۲:۳۰ هست دیر نکرده؟ گفت نه الان پیداش میشه. گفت آخه میگن تو محل کار بابات اتفاق بدی افتاده. گفت صبح زود صدقه انداختیم خیره ان شاءالله گفت: میگن یه نفر از طبقه هشتم افتاده پایین (دقیقا تو محل کار پدرت) گفت: بابام آدم مواظب و احتیاط کاری هست هوای خودش رو داره حتما همکاراش بودن. طرف دید چاره نمیکنه گفت: پس منتظر بابات هستی که بیاد خونه. اونم گفت بله حتما. گفت: پس بشین تا بیاد.

هدف مهاجم، آماج و هدف کار مهاجم چیست؟ فرهنگ ماست، اخلاق ماست، خانواده ماست، هویت ماست، تاریخ ماست. در مقابل، ما بایستی یک جبهه قوی توانایی ایجاد کنیم که این جبهه بتواند پاسخگو باشد. آن جبهه متشکل از کیست؟ از هنرمند، روشنفکر، عنصر فرهنگی.^{۲۵}

دشمنان از همان روزهای اول پیروزی انقلاب اسلامی به دنبال فروپاشی بودند و اقدامات زیادی نیز انجام دادند و با سیاه نمایی می‌خواستند دستاورد ملت بزرگ ایران که رسیدن به انقلاب اسلامی بود را خدشه‌دار کنند. دشمنان با بزرگ نشان دادن مشکلات و کوچک جلوه دادن دستاوردهای انقلاب می‌کوشند تا مردم را ناامید کنند و انقلاب اسلامی را ناکارآمد نشان دهند.

لطیفه چهارم :

آره عزیزان عده‌ای فقط دنبال این هستن که یه جوری به یه جایی گیر بدهند... بابا طرف دنبال اینه که یه جوری به روحانیت یه گیری بده... میگه طرف رفته بود قم زیارت وقتی برگشت شهرستان بهش گفتن چه خبر از قم؟ گفت: هیچی!!! آخوندا مملکت رو گرفتن! یعنی یه شغل نداشتن گیر بچه‌های ما بیاد حتی شرکت رُب گوجه زدن!!! گفت: یعنی چه مگه میشه؟ دروغه!!! گفت: بابا خودم تو قم دیدم رو در و دیوار تبلیغاتشون رو زده بودن... نوشته بود رُب زدنِ علما... طرف بهش گفت: خاک بر سرت بیسواد... نوشته بوده: رُب زدنِ علما...

دشمن به دنبال شبهه افکنی در میان مردم است و می‌خواهد با ایجاد ابهام به اهداف خود برسد و در این شرایط باید اساس کار ما بصیرت افزایی و روشنگری باشد و باید مراقب باشیم در زمین دشمن بازی نکنیم. در جهاد تبیین باید در بیان دستاوردها، نکات مثبت و تحول‌آفرین دولت و نظام به صورت مستدل و مستند اقدام کنیم و از سوی دیگر باورمندی به نصرت الهی در جهاد تبیین برای جبهه حق را یک ضرورت بدانیم. در جهاد تبیین باید عظمت انقلاب اسلامی بدون اتکا به قدرت‌های جهانی را بیان کرد و تأکید داشت که انقلاب اسلامی فقط به خدا تکیه کرده و از ولی فقیه زمان خود پیروی می‌کند. دولت‌های زیادی به راه‌های مختلف در اندیشه براندازی نظام بودند اما به صراحت بیان می‌کنند که برای براندازی جمهوری اسلامی شکست مفتضحانه‌ای را متحمل شده‌اند.

^{۲۵} گزیده‌ای از بیانات در دیدار جمعی از برنامه‌سازان صدا و سیما، ۱۳۹۷/۰۸/۲۴

(۱) بصیرت نسبت به امام و رضایت امام

تبيين و جهاد تبیین ضعف تحلیل و فقدان بصیرت را در جامعه درمان می‌کند. و باعث میشود مردم به قوه آگاهی و بصیرت برسند. اگر خواص جامعه زمان امام حسن علیه‌السلام تبیین می‌کردند، دیگر امام به کنار نمی‌رفت و احدی پیدا نمی‌شد به امام مجتبی علیه‌السلام بگوید: یا مدل المومنین.^{۲۶} (بشکنند قلم و لال شود زبانی که بخواهد بگوید...)

در سوره مبارکه یاسین خداوند به مواجهه برخی مردم با پیامبران اشاره می‌کند که آن‌ها دچار ضعف تحلیل بودند و اقوام برخی از پیامبران به آن‌ها می‌گفتند هر چه مشکل داریم مقصر شما هستید و مشکلات اقتصادی و مصائب و فقر را معلول وجود انبیاء الهی می‌دانستند که منشاء این نوع نگاه تحلیل نادرست و فقدان بصیرت بود. اگر جامعه دچار فقدان بصیرت و ضعف تحلیل شود قدرت و اقتدار جامعه رو به افول می‌رود. خوارج دچار ضعف تحلیل بودند که دچار انحراف شدند و اگر جامعه در برابر حیل‌های دشمن و جنگ رسانه ای دچار ضعف تحلیل سیاسی و اجتماعی باشد فریب خواهد خورد.

و حال اینکه اگر این ضعف جبران شود و تحلیل درست شود، بصیرت به همراه خواهد آورد. بصیرت بالاترین گوهر شناخت انسان است و قیمت انسان در بصیرت است. نتیجه این بصیرت رضایت ولی خدا و امام از انسان است. یک وقت انسان نزد امام اینقدر ارزش پیدا میکند که امام جای خالی آن شخص را حس میکند:

بعد از وفات عبدالله بن ابی یعفر، امام صادق علیه‌السلام به مفضل بن عمر جعفری در کوفه نامه ای نوشت و ضمن تجلیل از شخصیت والای عبدالله، مفضل را به جانشینی وی برگزید و فرمود: «ای مفضل! همان عهد و قراری را که با عبدالله داشتیم، الان به تو واگذار می‌کنم. او در حالی از دنیا رفت که به تعهد خود در قبال خداوند و رسول گرامی‌اش و به امام زمان خویش وفا کرده بود. سوگند به رابطه‌ام با رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله! در عصر ما کسی خاضع‌تر و فرمانبرتر از او نسبت به دستورات خداوند و پیامبر و امامش نبود... خداوند بر رضایت خود از او بیفزاید و از فضل و کرمش او را ببخشد که من از او راضی هستم.^{۲۷}

یک روز حاج احمد آقا از دفتر امام به ستاد جنگ‌های نامنظم در اهواز تلفن کردند و گفتند که امام می‌فرماید: «دل‌م برای دکتر چمران تنگ شده است بگویند به تهران بیاید.»

دکتر که در آن روزها در منطقه سوسنگرد از ناحیه پا مجروح شده بود، پس از شنیدن این پیام راهی تهران شد و به محضر امام شریفیاب گردید. دکتر از ناحیه پا ناراحتی داشت و نمی‌توانست پایش را جمع کند و دو زانو بنشیند اما به احترام امام که به او عشق می‌ورزید در مقابل ایشان دو زانو نشست و در حالی که فشار زیادی را متحمل می‌شد شروع به توضیح و توجیه نقشه‌ها کرد.

امام با فراست خاصی که داشتند متوجه ناراحتی دکتر شده و فرمودند: «آقای دکتر پایتان را دراز کنید و راحت باشید.» دکتر عرض کرد

^{۲۶} الاختصاص، ص ۸۲^{۲۷} رجال کشی، ص ۲۴۹

راحت هستیم. امام فرمودند: «می‌گویم پایتان را دراز کنید.» دکتر به احترام امام نپذیرفتند و عرض کردند دردی احساس نمی‌کنند. دو مرتبه امام با لحن خاصی فرمودند: «می‌گویم پایتان را دراز کنید و راحت بنشینید» که لاجرم او هم پذیرفت.

پس از اینکه دیدار به اتمام رسید، امام که آماده رفتن به حسینیه جماران برای دیدار با مردم بودند فرزند خود حاج احمد آقا را که وسط حیاط منزل ایستاده بود صدا کردند و به او فرمودند: «احمد، احمد!» ولی حاج احمد آقا در داخل حیاط بود و صدای امام را نمی‌شنید بنده او را از داخل ایوان صدا کردم و گفتم که امام شما را صدا می‌زند حاج احمد آقا خدمت امام که رسیدند. آقا به او فرمودند: «این میزها را که گذاشته‌اید، آقای چمران با پای زخمی که نمی‌تواند از روی آن‌ها رد شود. اینها را بردارید و راه را باز کنید.»^{۲۸} اگر واقعه غدیر به درستی تبیین شده بود عاشورا اتفاق نمی‌افتاد. اگر ما وقایع مهم را تبیین نکنیم و جامعه به انحراف و انحطاط کشیده شود ضربه اصلی را امام می‌خورد.

همین تغییرات و شبهاتی که نتیجه‌ی بی‌توجهی به واقعه‌ی غدیر بود، منشا بسیاری جنگ‌ها و اقدامات شد؛ جنگ‌هایی که به دلیل عدم فهم درست از محتوای این اتفاق بزرگ، تنها بر سر حکومت و دستیابی به جانشینی پس از پیامبر(ص) رخ داد و صدمات زیادی را به اسلام وارد کرد.

واقعه‌ی عاشورا نیز از وقایع و اتفاقاتی بود که حاصل همین بی‌توجهی‌ها و عدم درک درست غدیر بود؛ البته اگر نادیده گرفتن واقعه‌ی غدیر از سوی مسلمانان وجود نداشت، امکان رخ داد حادثه‌هایی پس از واقعه غدیر بود اما می‌توان گفت در صورت عمل صحیح به وصیت پیامبر(ص) در باب جانشینی، چنین اتفاقاتی همچون عاشورا به این شکل اتفاق نمی‌افتاد.

۲) عزت و قدرت پیدا می‌کند

جهاد تبیین عامل قدرتمندی امت اسلام است. ما اگر در راه تبیین قدم برداریم و جهاد کنیم باعث می‌شود خودمان و کشورمان قوی شویم و عزت پیدا کنیم. قوی شدن کشور جزو هدف‌های ما است... این هم از قرآن گرفته شده. قرآن می‌فرماید که: «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»^{۲۹}؛ هر چه می‌توانید قوت را زیاد کنید. حالا این قوت در وهله‌ی اول، در نگاه اول، ممکن است قوت نظامی به نظر برسد، لکن ظاهراً خیلی وسیع‌تر از دامنه‌ی قوت نظامی است. ابعاد قوت ابعاد وسیعی است؛ ابعاد اقتصادی دارد، قوت اقتصادی، قوت علمی، قوت فرهنگی، قوت سیاسی و قوت تبلیغی. با گذشت زمان، عرصه‌های دیگری برای تقویت کشور و ملت به وجود می‌آید. فرض کنید امروز حفظ جمعیت جوان کشور یکی از ابزارهای قوت است؛ کشور ما امروز کشور جوانی است؛ اگر چنانچه موالید در این کشور به قدر لازم و به قدر کافی تولید نشوند - که الان به قدر کافی نیست - چند صباح دیگر، چند سال دیگر نسل جوان در کشور کمیاب خواهد شد. آن وقت کشوری که در آن جوان کم است، پیشرفتش [هم] کم است. یکی از ابزارهای قدرت حفظ اکثریت جوان در جامعه است.^{۳۰}

وقتی جهاد تبیین درست صورت نگیرد، وقتی ما تبیین درست جامعه را انجام ندهیم، تبیینی که بجا و بزنگاه نباشد، تبیینی که درست و

^{۲۸} برداشته‌ایی از سیره امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه)، ج ۲، ص ۲۰۴

^{۲۹} سوره مبارکه انفال، آیه ۶۰

^{۳۰} سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران، ۰۳/۰۱/۱۳۹۹

هدفمند نباشد، به جایی می‌رسیم که عده‌ای متاسفانه برای انجام ندادن آن کار و مسئله دنبال بهانه می‌گردند. برای اینکه مسئله جمعیت را درست تبیین نشده عده‌ای دنبال این هستند که زیر این بار شانه خالی کنند. لذا می‌شود مثل آقایی که یکی از اساتید تعریف می‌کرد: که به رفیقی داشتم به روز بهش گفتم که چرا تو فقط به بچه داری و بچه دوم نمیاری؟ گفتش که پول پوشک رو بده بچه بیارم. گفتم خب باشه! به چند روزی گذشت بهش گفتم که به رفیق دارم که پرآید کم کارکرد داره تو خونه هست و دیگه نیازی بهش نداره. گفته اگه کسی خواست بهش بدیم استفاده کنه. تو می‌خوای؟ چرا که نه حتما می‌خوام. گفتم نگاه کن این ماشین باید روغنش عوض بشه ۳۰۰ و ۴۰۰ تومان پولش می‌شه. گفت به کاریش می‌کنیم. گفتم بیمه نداره، ۲ تا ۳ میلیون پول بیمه میشه. گفت به کاریش می‌کنم. به مقدار هم خلافی داره. گفت به کاریش می‌کنم. گفتم که باطریش هم خرابه گفت به کاریش می‌کنم. هرچی من گفتم گفت به کاریش می‌کنم. گفتم این همه خرج داره گفت به کاریش می‌کنیم. بهش گفتم ناقلا این همه خرج رو به کاریش می‌کنی فقط پوشک بچه رو نمی‌تونی کاریش کنی؟ اونم به کاریش کن.

رفتار:

راه: تسلط روی مباحث انقلاب

لازمه اینکه ما یک مسئله را تبیین کنیم علم به آن مسئله است. تا ما علم نداشته باشیم و اطلاعی نداشته باشیم نمیتوانیم تبیین کنیم و در این جهاد قدمی برداریم. لذا برای اینکه بتوانیم از کشورهای کشور دفاع کنیم نیاز به مطالعه داریم مثل مطالعه کتاب صعود ۴۰ ساله.

البته یک نکته را عرض کنم متاسفانه به مشکل بزرگی که برای مردم ما ایجاد شده و باید نسبت به آن توجه کنیم و آن را برای مردم و بویژه جوانان تبیین کنیم حتی بچه‌های جبهه انقلابی، عده‌ی زیادی از مردم ما متاسفانه کمی بد توقع شدند مثلا توقع دارند بعد از ۴۰ سال انقلاب به تمام اهداف و آرمانهای رسیده باشه اولاً بریم ببینیم کدام انقلاب در تاریخ ماندگار بوده (لیبی، الجزایر، فرانسه و ...) یا به قول سیاسیون انقلاب ها فرزندان خود را می‌خورند، ثانیاً کی گفته ۴۰ سال، زمان زیادی برای به انقلاب است یک انسان در ۴۰ سال کامل همیشه تا چه برسد به به انقلاب

از طرفی در زیارت میخوانیم انهم بیرونه بعیدا و نراه قریبا کفار این زمان (بالغ بر ۱۰۰۰ سال) را دور و زیاد میدانند ولی ما این زمان را قریب و نزدیک میدانیم پس انصافا این زمان برای به انقلابی که با این همه مشکلات و تحریم و جنگ و ... روبرو بوده است زمان زیادی نیست البته به خیلی از اهداف هم رسیده ایم، انشالله با صبر و مقاومت به بقیه اهداف هم در زمان کم خواهیم رسید.

راهکار: کتاب صعود ۴۰ ساله، مباحث استاد مطلبی پور

"صعود چهل ساله" کتابی است که همه را از لکنت زبان درباره دستاوردهای انقلاب درآورده است. و به همت "سید محمدحسین راجی"، که در آن "مروری بر دستاوردهای چهل ساله انقلاب اسلامی بر اساس آمارهای بین المللی" صورت گرفته است. این کتاب که نتیجه‌ی

بیش از هفده هزار ساعت مطالعه‌ی هدفمند از جانب هفتاد نخبه‌ی دانشگاهی و حوزوی است، مطالبی را ارائه می‌کند که هر ایرانی مسلمان و انقلابی را سرشار از حس غرور خواهد کرد.

از خصایص کتاب "صعود چهل ساله" می‌توان به تمرکز آن بر فعالیت‌های صورت گرفته بعد از انقلاب، آشنا نمودن خواننده با دستاوردهای ارزنده‌ی انقلاب اسلامی، بهره‌گیری از آمارهای دقیق، فنی و علمی بین‌المللی برای ارائه‌ی کارها، مقایسات دقیق و موشکافانه‌ی اقدامات صورت گرفته قبل و بعد از انقلاب و به طور کلی معارفه‌ی همه‌جانبه‌ای از فعالیت‌های گسترده نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد.

کتاب از نه فصل تشکیل شده که در هر کدام از فصول، مساله‌ای بنیادین مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل نخست استقلال ایران در میان کشورهای دنیا در مقایسه با وابستگی‌های دوران پهلوی تجزیه و تحلیل می‌شود. فصل دوم به کاهش فقر و نابرابری و به عبارتی توسعه‌ی عدالت اجتماعی می‌پردازد و فصل سوم مساله‌ی رفاه عمومی و برخورداری از امنیت، آموزش، بهداشت، دسترسی‌های گسترده‌ی مردم به آب، برق، سوخت و ابزار ارتباطی را بررسی می‌کند. فصل چهارم عزت و اقتدار ایران را از لحاظ امنیتی و نظامی در منطقه و جهان به تصویر می‌کشد و فصل‌های پنجم تا هفتم به پیشرفت‌های زیرساختی، صنعتی و معنوی پرداخته‌اند. در دو فصل نهایی کتاب مساله‌ی کرامت زن و آزادی و مردم‌سالاری دینی در کشور عزیزمان بررسی می‌شود و شاخص‌های آزادی در کشورهای غربی مورد نقد قرار می‌گیرد.

قسمتی از کتاب صعود چهل ساله:

قوای نظامی هر کشور ستون اقتدار هر کشور تلقی می‌شود. شاهان پهلوی با خرید انواع تسلیحات غربی و بویژه آمریکا سعی در تقویت نیروی نظامی ایران داشتند ولی در واقعیت غرب با فروش انواع سلاح‌های خود با چند برابر قیمت به ایران، سعی در به تاراج بردن ذخایر این ملت را داشتند و از سویی دیگر آن‌ها ایران را انباری از مهمات کرده بودند و در موارد مختلف بدون اجازه ایران از آن‌ها استفاده می‌کردند. برای نمونه ملکه پهلوی در این باره می‌گوید: «یک روز محمدرضا که خیلی ناراحت بود به من گفت: مادر جان مرده شور این سلطنت را ببرد که من شاه و فرمانده کل قوا هستم، ولی بدون اطلاع من هواپیماهای ما را برده‌اند ویتنام؛ آمریکایی‌ها که از قدیم در ایران نظامی داشتند هر وقت احتیاج پیدا می‌کردند از پایگاه‌های ایران و امکانات ایران با صلاحدید خود استفاده می‌کردند. حالا بماند که چقدر سوخت مجانی می‌زدند و اصلاً کل بنزین هواپیماها و سوخت کشتی‌هایشان را از ایران می‌بردند.

تیم تولید محتوای تبلیغی

موسسه تخصصی خطابه امیربیان قم